

بازتاب عناصر فرهنگ عامه در داستان دید و بازدید جلال آل احمد

اسماء فروغی راد

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

چکیده

در میان مباحث متون ادبی، فرهنگ عامه نوع خاصی از گفتمان است که به جنبه‌های غیررسمی زندگی اجتماعی می‌پردازد. در مباحث مختلف فرهنگ عامه، آداب، رسوم، باورها، طرزتلقی‌ها، رفتارها، جشن‌ها، مراسم‌ها و تفریحات، خرافات و... به عنوان مظاهر فکری و رفتاری جامعه بازتاب داده می‌شود. با وصف اینکه فرهنگ عامه به شکلی غیررسمی زندگی اشاره دارد، میزانی از فهم و درک مردم و نیز وضعیت جامعه را به تصویر می‌کشد. فرهنگ عامه در آثار نویسندگان و شاعران کلاسیک بازتاب فراوان داشته است؛ اما در دوره معاصر از میزان کاربرد آن کاسته شد و باید با جستجوی این عناصر از لابه‌لای آثار ادبی و نگاشتن آنها، سبب ماندگاری این فرهنگ عظیم شویم. جلال آل احمد نویسنده برجسته معاصر در آثار ارزشمند خود همچون «دید و بازدید» این عناصر را در خدمت گرفته تا اهداف و مقاصد خویش را بازگو کند. استفاده این نویسنده از فرهنگ عامیانه خصوصاً قصه‌ها، لغات و اصطلاحات عامیانه و بومی، نه تنها بیانگر مردمی بودن این نویسنده گرانمایه است؛ بلکه آثارش را جذاب‌تر و خواندنی‌تر نموده و بر محبوبیت او نیز افزوده است. هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی نقش عناصر فرهنگ عامه در رمان «دید و بازدید» جلال آل احمد است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، داستان دید و بازدید، جلال آل احمد

مقدمه

ادبیات عامه (فولکلور) برآمده از دل توده مردم است و سالیان سال به صورت شفاهی و سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل شده است و عناصری مانند قصه، افسانه، آواز، ترانه، مثل، معما و... را در برمی‌گیرد. کمتر نویسنده نامداری را می‌توان یافت که از فرهنگ عامه مردم سرزمین خویش بهره نبرده باشد؛ زیرا ادبیات عامه سرچشمه و خاستگاه ادبیات رسمی به شمار می‌رود. از جمله این نویسندگان برخوردار از ادب و فرهنگ عامه، جلال آل احمد است. «فولکلور مجموعه دانش، عادات و سنن و افسانه‌ها، قصص، معتقدات و خرافاتی که در عمل و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می‌رسد و رقص‌ها و ترانه‌ها، طب عامیانه اساطیر و ضرب‌المثل‌های عوام را شامل می‌شود و مرکب است از دو جز «فولک» به معنی توده و «لور» به معنی دانش.» (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه فولکلور).

فرهنگ و ادبیات عامه با اعتقادات و باورهای کهن جوامع بشری پیوندی دیرپا دارد و شیوه زیستن و حیات مادی و معنوی توده مردم یک جامعه را باز می‌نمایاند و اصالت و پیشینه تاریخی و فرهنگی آن‌ها را به خوبی، تبیین می‌کند؛ بنابراین، سرمایه عظیمی است که یادگار ذوق هنری و احوال و روحیات مردم روزگاران گذشته است و سندی استوار در اثبات هویت ملی و فرهنگی اقوام بشری به شمار می‌رود و بیش از همه در مطاوی قصه‌ها و داستان‌ها و رمان‌ها ثبت و ضبط می‌گردد. از این رو بررسی آثار داستان‌نویسان و قصه‌پردازان، بخصوص نویسندگان معاصر، می‌تواند روشنگر فرهنگ عامه مردم یک جامعه باشد. با توجه به اهمیت و جایگاه بنیادی این مقوله در ادبیات معاصر، مطالعه عناصر ادبیات عامه در داستان‌ها و قصه‌ها و تحلیل نقش این عناصر در نیل به غایات هنری، فرهنگی و تربیتی بسیار سودمند است. در واقع هر جامعه برای استمرار بخشیدن به حیات اصیل و واقعی خود، باید در حفظ الگوهای فرهنگی کشورش بکوشد. پژوهش و تفحص در زمینه فرهنگ توده (عامه) می‌تواند قدمی در این راستا باشد. یکی از راه‌های تحقیق در این زمینه، بررسی آرای ادبی است؛ چرا که بسیاری از شاعران و ادیبان بزرگ از عناصر فرهنگ عامه به عنوان دست‌مایه‌ای در خلق مضامین و بیان آرای خود بهره برده‌اند. این جستار برآن است تا به بررسی عناصر فولکلوریک در رمان «دید و بازدید» جلال آل احمد بپردازد تا بدین وسیله ضمن توضیح و تبیین برخی مباحث مرتبط با عناصر فولکلور در ادبیات داستانی، اندکی نیز بر دایره تحقیقات ادبی بیفزاید. در این پژوهش در پی پاسخ به سوالات زیر هستیم:

- فولکلور چیست و بازتاب آن در داستان نویسی معاصر تا چه حد است؟
- جایگاه ادبیات عامه در رمان دید و بازدید جلال آل احمد چگونه است؟

بیان مسأله

فولکلور مجموعه دانش، عادات و سنن و افسانه‌ها، قصص، معتقدات و خرافاتی که در عمل و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می‌رسد و رقص‌ها و ترانه‌ها، طب عامیانه، اساطیر و ضرب‌المثل‌های عوام را شامل می‌شود و مرکب است از دو جز «فولک» به معنی توده و «لور» به معنی دانش (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه فولکلور). از جمله آثار گرانبهایی که گوشه‌هایی از احوال و آداب و سنن مردم در آن به تصویر کشیده شده، رمان دید و بازدید جلال آل احمد است. احاطه این نویسنده به دانش‌های عامه زمان خود و بهره‌گیری از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و شیوه‌های معیشتی مردم، زمینه مساعدی را برای ورود فرهنگ عامه در آثارش فراهم ساخته است.

شیوه تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری است. نگارنده ابتدا به فیش‌برداری از موضوعات مرتبط با فرهنگ عامه تعریف و ابعاد آن پرداخته و بعد از اتمام فیش‌برداری، به تلفیق و دسته‌بندی

آن‌ها و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته و در پایان از بررسی‌های انجام شده در این آثار نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل آمده است که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

پیشینه پژوهش

- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد: «بررسی جایگاه و نقش جلال‌آل‌احمد در داستان‌نویسی معاصر». (۱۳۹۳). صفیه بیاتی اشکفتکی، استاد راهنما: مسعود فروزنده، استاد مشاور: احمد امین، دانشگاه شهرکرد.

- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد: «بررسی راهبردهای بکار رفته در ترجمه زبان عامیانه و اصطلاحات موجود در داستان نون و قلم آل‌احمد براساس مدل بیکر». (۱۳۹۵). نسا باقری، استاد راهنما: محمدتقی حسنی، موسسه آموزش عالی غیر دولتی البرز.

- مقاله: «گستره فرهنگ و فولکلور»، محمود روح‌الامینی (۱۳۸۱). کتاب ماه هنر، شماره ۳۹-۴۰، آذر و دی، صص ۶-۹.

- مقاله: «فرهنگ‌عامه، خصوصیات، کنش و نقش آن». (۱۳۵۷). محمود خلیقی، فصلنامه فرهنگ و زندگی، شماره ۲۵-۲۶.

- مقاله: «بررسی بازتاب جلوه‌های فرهنگ عامه در داستان‌های جلال‌آل‌احمد». (۱۳۹۱). اکبر شاملو جانی‌بیگ، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۴-۴۷.

- مقاله: «شاخصه‌های سبکی نثر جلال‌آل‌احمد». (۱۳۹۳). ابراهیم درویش کوهی، محمدصادق بصیری، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۷، شماره ۳۶، صص ۲۳۲-۲۱۹.

- مقاله: «نقد بومی‌گرایی در اندیشه جلال‌آل‌احمد». (۱۳۸۹). محمدتقی قزلسفلی، نگین نوریان دهکردی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، سال چهارم، صص ۱۸۲-۱۵۱.

تعریف فرهنگ عامه یا فولکلور

مطالعه‌ی فولکلور از سال ۱۸۴۶ که ویلیام تومس^۱ عتیقه‌شناس انگلیسی این اصطلاح را ابداع کرد و بر زبان راند، آغاز شد و در توضیح و جامعیت آن پیوسته بحث و گفتگو شد. (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه فولکلور).

فولکلور معادل انگلیسی فرهنگ عامیانه است و واژه عامیانه ترکیب کلمه «عامی» عربی با «انه» فارسی است این پسوند در ساختن قید از صفت مورد استفاده قرار گرفته است. «عامی» اسم فاعل از مصدر «عمی» است که کوری و کور بودن را می‌رساند و در نهایت به معنی «کورانه» است. (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۵) به هر حال فولکلور و باورها و اعتقادات فولکلوری در همه جوامع وجود دارد و در ایران نیز تاکنون بیش از نیم قرن است که سابقه دارد.

ادبیات هر قوم از جمله داستان‌های محلی و فولکلور به بیان روحيات آن قوم می‌پردازد و در هر دوره بیانگر آرزوها، آمال، افکار و آثار و آیین‌های روحیات و اخلاق و عادات مردم آن قوم محسوب می‌شود. برای شناختن حقیقت یک ملت باید به ادبیات آن ملت رجوع کرد. مطالعه فرهنگ‌عامه ما را به روحيات گذشتگان که تمدن و فرهنگ عصر کنونی زاینده افکار و اندیشه‌های ایشان است، آشنا می‌کند.

قلمرو و موضوع فرهنگ عامه

قلمرو فرهنگ عامه وسیع است به گستردگی حیات بشر. با توجه به نظریه «سی، اس، برن» موضوعاتی که به نام فولکلور بررسی می‌شوند، در سه مقوله اصلی و چندین مقوله فرعی قرار می‌گیرند؛ اما سه مقوله اصلی آن عبارتند از:

الف) باورها و عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدنی‌ها حیوانات، دنیای انسانی، اشیا مخلوق و مصنوع بشر، روح و نفس دنیایی دیگر مانند موجودات مافوق بشر، غیب‌گویی، معجزات، کرامات یا سحر و ساحری و طب و طبابت.

^۱ William Thomes

ب) آداب و رسوم مربوط به نمادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شعائر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاه‌شماری و تقویم و جشن‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌ها.

ج) داستان‌ها، ترانه‌ها ضرب‌المثل‌ها، تصنیف‌ها، مثل‌ها، مثل‌ها و چیستان‌ها. (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۱)

اهمیت بررسی فرهنگ عامه

فرهنگ عامیانه در حفظ نهادهای اجتماعی یک قوم و اعتبار بخشیدن به عقاید و آداب و رسوم و آنها مؤثر می‌باشد. حتی برای شناخت مردم هر قوم و پی بردن به ویژگی‌های روحی و اخلاقی آنها باید فرهنگ عامه آن قوم بررسی شود تا بتوان به احوال و افکار و هنر مردم پی برد. به همین دلیل برای حفظ و نگهداشت فرهنگ عامه باید آنها را جمع‌آوری کرد؛ زیرا در انتقال شفاهی فرهنگ عامه که از طریق زبان صورت می‌گیرد امکان از بین رفتن و تغییر بعضی از این عقاید و آداب و رسوم بسیار می‌باشد. صادق هدایت در نیرنگستان به ضرورت گردآوری مواد فرهنگ عامیانه و نگهداری اندوخته‌های فرهنگی تأکید می‌کند.

هنگامی که فولکلور هر منطقه یا هر طایفه را جداگانه بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که با وجود اختلاف ظاهری ریشه، پایه و منشأ همه آنها یکی است و همگی چون شاخه‌های پیوند خورده درختی واحدند که از یک تنه جدا شده و از یک ریشه تغذیه کرده‌اند این خود استوارترین سند و دلیل بر وحدت قومی و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی‌های میان مردم است (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۰).

عناصر فرهنگ عامه

ادبیات عامه ایران به دو صورت نظم و نثر در میان مردم رواج دارد فرهنگ را از دیدگاهی به فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و در حقیقت، مجموعه پدیده‌هایی که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است؛ و فرهنگ غیرمادی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم و سنت‌ها، افکار، علوم، هنر، ادبیات و تمام فراورده‌های ذهنی انسان که قابل اندازه‌گیری به موازین کمی نیست و به آسانی نمی‌توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود (روح الامینی، ۱۳۶۵: ۷۳).

از اولین کسانی که به تقسیم‌بندی صورت‌ها و عناصر فرهنگ عامه پرداختند، رشید یاسمی و صادق هدایت را می‌توان نام برد. این دو فرهنگ‌عامه را در دو بخش مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند (بلوک باشی، ۱۳۷۷: ۷۳).

سابقه ادبیات عامه در ایران

معمولاً در کتاب‌های مردم‌شناسی، «هردوت» مورخ یونانی را نخستین فردی می‌شناسند که در کتاب «تاریخ» خود درباره آداب و رسوم ملت‌ها مطالبی نوشته است در ایران به گفته ابوالقاسم انجوی شیرازی اولین فردی که مسائل فولکلوریک را گردآوری و تألیف کرد، آقای جمال خوانساری است وی در تحقیقات خود را در کتابی بنام عقاید النساء گردآوری کرد. عقاید النساء توجه مردم را جلب نمود و عامه آن را به اسم کلثوم ننه می‌شناسند، این کتاب دارای نثری شیوا و آمیخته به طنز است و برخی آداب و رسوم و معنقات زنان دوره صفویه در آن نوشته شده است (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۳).

محمد علی جمالزاده نخستین نویسنده ایرانی است که به کاربرد فرهنگ بومی و عامه در داستان علاقه نشان داد. جمالزاده فرهنگ بومی را به گویش‌ها و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های محلی منحصر کرده است تا جایی که آثار وی گنجینه‌ای از تعابیر و اصطلاحات عامه محسوب می‌شود. بعد از جمالزاده، نویسنده‌ای که با جدیت و دقت بسیار به فرهنگ عامه در معنا و مفهوم کامل آن توجه کرد صادق هدایت بود. وی معتقد بود فرهنگ عامه نزد مللی یافت می‌شود که دارای دو قشر تحصیل کرده و روشنفکر با تربیت عالی و قشر بیسواد و عامی هستند این دو قشر با تعامل و زندگی در کنار یکدیگر فرهنگ عامه را تقویت می‌کنند و به آن شکل می‌دهند؛ اما نویسنده دیگری که در داستان‌های خود از عناصر فرهنگ عامه استفاده کرد، جلال‌آل

احمد بود که با به کارگیری این عناصر، گامی در جهت زنده کردن و زدودن غبار از چهره این عناصر برداشت وی با نگرشی خاص در بسیاری از داستان‌های خود و با توجه به شخصیت‌ها و فضای داستان به صورتی مطلوب از عناصر فرهنگ عامه بهره برد (شاملو، ۱۳۹۱: ۳۵).

سخنی کوتاه درباره زندگی و آثار جلال آل احمد

آل احمد به تاریخ یازدهم آذرماه ۱۳۲۰ در محله بازار تهران و در خانواده ای مذهبی، دیده به جهان گشود. پدر، برادر بزرگ و دامادش به بیان خودش در مسند روحانیت از دنیا رفتند. برای گذراندن دوران طلبگی به نجف رفت که چندماه بعد منصرف شد و به ایران بازگشت. از مدرسه دارالفنون دیپلم گرفت و پس از ورود به دانشگاه، معلم دبیرستان‌های تهران می‌شود، معلمی آل احمد به عنوان یکی از شاخص‌های پایگاه اجتماعی او، باعث شد که زاویه دیدش معطوف به فرهنگ شود. در سال ۱۳۳۲ به حزب توده پیوست همزمان در ۱۳۲۵ دوره دانشکده ادبیات را به اتمام رساند و در همین سال ها به همراه خلیل ملکی و چند تن دیگر با تأسیس حزب سوسیالیست توده‌ی ایران، از حزب توده انشعاب می‌کند. در سال ۱۳۲۹ با سیمین دانشور، نویسنده و هم دانشگاهی خود ازدواج کرد.

آل احمد در ضمن تحصیل، تدریس و فعالیت سیاسی نوشتن را آغاز کرد. او نخستین داستانش را با نام «زیارت» در مجله‌ی سخن به سال ۱۳۲۴ چاپ کرد؛ و این آغازی بود برای آثار فراوان قلمی که حتی به ترجمه‌های متعدد از نویسندگان به نام غربی چون آلبر کامو، سارتر، داستایوسکی منجر شد. در سال ۱۳۴۷ و در سفری به مشهد، با علی شریعتی نیز دیدار کرد و در همین سال با احضارها و تهدیدهای سازمان امنیت روبه رو شد. در دهه چهل تأثیر زیادی بر جامعه کتاب خوان و دانشجویان داشت و با انتشار کتاب غربزدگی این تأثیر و نفوذ معنای واقعی به خود گرفت (الشکری، ۱۳۸۶: ۲).

آل احمد، متفکر علاقمند به مسائل اجتماعی و سیاسی در اوج تلاش جهت پاسخگویی به مسائل مبتلا به جامعه و ارائه راهکارهایی که خود مناسب می‌دانست، در ناباوری به تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ در اسالم گیلان وفات یافت.

آثار داستانی جلال آل احمد

جلال آل احمد کار نویسندگی را با نوشتن داستان کوتاه آغاز کرد. اولین اثر وی به نام «زیارت» در سال ۱۳۳۲ در مجله سخن چاپ شد. نام آثار دیگر آل احمد عبارتند از:

- دید و بازدید ۱۳۲۴

- مجموعه از رنجی که می‌بریم ۱۳۲۶

- مجموعه سه تار ۱۳۲۷

- مجموعه زن زیادی ۱۳۳۱

دو داستان بلند سرگذشت کندوها و مدیر مدرسه ۱۳۳۷

- داستان بلند نون و قلم ۱۳۴۰

- داستان بلند نفرین زمین ۱۳۴۶

مجموعه‌های دیگری از داستان کوتاه با عنوان‌های پنج داستان و چهل طوطی نیز در سال ۱۳۵۰ چاپ شد.

آخرین داستان بلند آل احمد سنگی برگوری نام دارد که در سال ۱۳۶ منتشرگشت (شیخ رضایی، ۱۳۸۲: ۱۹).

ویژگی‌های آثار

به طور کلی نثر آل احمد نثری است شتابزده، کوتاه، تأثیر گذار و در نهایت کوتاهی و ایجاز. آل احمد در شکستن برخی از سنت‌های ادبی و قواعد دستور زبان فارسی شجاعتی کم نظیر داشت و این ویژگی در نامه‌های او به اوج می‌رسد. اغلب نوشته‌هایش به گونه‌ای است که خواننده می‌تواند بپندارد نویسنده هم اکنون در برابرش نشسته و سخنان خود را بیان می‌کند و

خواننده، اگر با نثر او آشنا نباشد و نتواند به کمک آهنگ عبارات، آغاز و انجام آنها را دریابد، سردرگم خواهد شد. از این رو ناآشنایان با سبک آل احمد گاهی ناگزیر می‌شوند عباراتی را بیش از چند بار بخوانند.

بازتاب عناصر فرهنگ عامه در مجموعه داستان کوتاه دیدو بازدید جلال آل احمد

یکی از نویسندگان بزرگ و موفق داستان کوتاه در ایران، جلال آل احمد می‌باشد. بی‌شک داستان‌های کوتاه آل احمد در کنار داستان‌های کوتاه صادق هدایت، هوشنگ گلشیری، محمدعلی جمالزاده، بزرگ علوی و صادق چوبک در زمره بهترین نمونه‌های این نوع ادبی در کشور ما، محسوب می‌شود. آثار آل احمد آیینۀ زندگی، تفکر و زبان توده مردم است. داستان‌های وی حاوی مکالمات فراوانی است که پیکره زبانی بسیار ارزشمندی را برای مطالعات زبانشناختی، فراروی زبانشناسان و پژوهشگران قرار می‌دهد. آل احمد زبان عامیانه روزگار خویش را در آثارش ثبت کرده‌است؛ به بیان دقیقتر، داستان‌های وی، زبان فارسی تهرانی را در دهه دوم و سوم قرن حاضر به خوبی نشان داده‌است.

۱- آداب و رسوم عامه

هریک از متون کهن جهان، در برگیرنده آداب و رسوم و فرهنگ زمان خود یا مردم آن سرزمین هستند. در این متون، نویسندگان یا شاعران ضمن معرفی اثر خود، آداب، سنت‌ها، مذهب، پوشش آن سرزمین و سایر ابعاد فرهنگی را به نمایش می‌گذارند. متونی که در ایران پدید آمده‌اند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در آن‌ها شاهد حضور جوانب مختلف فرهنگی و آداب و رسوم هستیم.

❖ آداب و رسوم اجتماعی

دختر را به خانه شوهر فرستادن

- منو تازه دو سه سال بود به خونه شوهر فرستاده بودن (گنج، ۲۸).

جهاز دادن به دختر

- هر چی از بساط زندگی مونده بود جهاز کرد و بدرقه دخترش خونه شوهر فرستاد (گنج، ۳۶).

❖ آداب و رسوم جمعی

آش پشت پا پختن

- در طول راه تنها در اندیشه آش پشت پایی بودم که برایم خواهند پخت (زیارت، ۴۰).

مراسم نوروز

- سبزی پلو با ماهی شب عید نوروز، هفت سین، شله زرد و سمنو (همان، ۴۰).

آب بر روی قبر پاشیدن

- نه کسی آبی به روی قبرش خواهد ریخت (تابوت، ۸۹).

عیدی دادن

- عید آمده بود و عیدی خود را مطالبه کرده بود (پستچی، ۱۳۵).

سه بار تابوت میت را بر زمین گذاشتن

- تابوت را بردن تا دم چال قبر سه مرتبه نعش را به زمین گذاردن تا ترس میت بریزد (همان، ۹۲).

۲- باورهای عامیانه و خرافی

واژه خرافات جمع خرافه است. معنی خرافه در واقع همان سخن بیهوده است. سخن باطل افسانه‌ای و اسطوره و در زبان فارسی امروز به عمل یا اعتقاد ناشی از نادانی جهل ترس از ناشناخته‌ها اعتقاد به جادو و بخت یا درک نادرست علت و معلول‌ها است.

فرهنگ انگلیسی واژه‌های خرافه را به طور دقیق‌تری تعریف کرده است. (اعتقاد یا عقیده‌ای فاقد پشتوانه علمی به نحس بودن یک چیز شرایط حادثه عمل خاص و نظایر آن) (وارینگ، ۱۳۷۱: ۸).
 علاقه و تمایل بشر به یافتن علت حوادث و وقایعی که در اطراف او رخ می‌دهد و گاهی ترس از ابهام و گنگی علت یک واقعه سبب به وجود آمدن خرافات و باورهای خرافی شده؛ زیرا انسان در این شرایط معمولاً به جای اینکه به عقل خود مراجعه کند و به تحلیل منطقی حوادث بپردازد به تصورات خود پناه می‌برد و آنچه را که در آن شکل می‌گیرد علت و ریشه واقعی می‌پندارد. این اعتقادات خرافی همراه با تغییراتی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

باورهای خرافی

❖ جادو جنبل کردن

در دایره‌المعارف مصاحب جادو فن تسخیر قوای طبیعی به وسیله‌ی افسون و اعمال مخصوص دیگر به همراه تشریفات خاص است (مصاحب، ذیل واژه). اعتقاد به سحر و ساحری و جادو از مراحل نخستین بشریت پیدا شده و هنوز هم به طور کامل از بین نرفته است. در نوشته‌های پهلوی جادو به معنای سحر و ساحری است. در اوستا یاتو و در پهلوی یاتوک و در فارسی جادو گفته می‌شود. در اوستا جادوها از دسته اهریمن و دیوان هستند و بیشترین با پری‌ها یک جا آورده شده و همه جا از آنها به پری یاده شده است (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۸۳).

- خدا عالمه شاید برام جادو جنبلی چیزی کرده باشن (گنج، ۲۹).

❖ اسپند دود کردن جهت رفع چشم زخم

برای دفع چشم زخم شیوه‌های مختلفی وجود دارد مانند دعا و تعویذ و گفتن دور باد و یا چشم حسود کور؛ اما آنچه که در میان عموم مردم بیشتر رواج دارد عبارتند از: شکستن تخم‌مرغ، اسپند دود کردن، آویزان کردن مهره‌های سپید و سیاه و آبی، نظر قربانی و ان یکاد خواندن.

از شیوه‌های دفع چشم‌زخم که هنوز هم بسیار رایج است و می‌توان گفت از مؤثرین شیوه‌هاست. برای رفع بیماری چشم‌زخم، اسفند دود می‌کنند. اگر این کار را نزدیک غروب بکنند بهتر است. یک تکه یا پارچه یا نخ یا یک تار از بند تنبان و یا خاک ته کفش کسی که به او بدگمانند گرفته و با قدری اسفند دور بچه یا ناخوش می‌گردانند و می‌گویند اسفند دونه دونه، اسفند سی و سه ونه، از قوم و خویش بیگونه، هر که از دروازه بیرون برود، هر که از در دروازه تو بیاید، کور شود چشم حسود و بخیل، شنبه زاه، یکشنبه‌زاه، ... جمعه‌زاه، کی کاشت؟ پیغمبر، کی چید؟ فاطمه، برای کی دود کردند؟ امام حسن و امام حسین (ع)، به حق شاه مردون، درد و بلا رو دور گردون. (هدایت، ۱۳۴۲: ۴۳).

- یادمه چقد اهل محل براشون اسفند و کندور دود کردن (گنج، ۳۳).

❖ وان یکاد به همراه داشتن

- وان یکاد را روی یک قطعه برنج کنده شده و مقابل شوfer بالای اتوبوس کوبیده شده بود (گلدان چینی، ۷۷).

❖ نحسی سیزده

- هنوز باران نحسی سیزده را به در نکرده بودند (پستچی، ۱۳۵).

باورهای مذهبی و اعتقادی

❖ سه بار از زیر قرآن و آب رد شدن مسافر

- سه بار از زیر قرآن و آب رد شدم و در مرتبه سوم قرآن را بوسیدم و به پیشانی نهادم (زیارت، ۳۸).

❖ نذر کردن

- نذر کرده بودن که برای من سفره بگیرن که سالم برگردم (همان، ۴۰).

❖ **دخیل بستن به ضریح جهت برآورده شدن حاجت**

- به دخیل‌هایی که به در و دیوار ضریح خواهیم بست فکر می‌کنم و به قفل‌های نقره‌ای که به ضریح خواهیم زد (زیارت، ۴۴).

❖ **نایب‌الزیارت شدن برای مردگان**

- حالا که می‌روم زیارت، یادی از پدر مرحومم می‌کنم، شاید در آن قبر مونسش شود (همان، ۴۸).

❖ **ترت بردن در زیارت**

- دو مشت خاک روی خود قبر مطهر از سید کلید دار هدیه گرفته (همان، ۵۱).

❖ **تهیه خلعت آخرت در زیارت**

- هنوز خلعت آخرت برای خودم فراهم نکرده بودم (همان، ۵۷).

❖ **طواف دادن کفن در کربلا**

- یک دست خلعت برد یمانی تهیه کنم و آن را طواف بدهم و بعد هم وصیت کنم که مرا کجا دفن کنند (همان، ۵۷).

❖ **احیا گرفتن در ماه رمضان**

- چطور خواهد توانست تا صبح بیدار بماند و احیا بگیرد؟ (افطار بی‌موقع، ۶۶).

❖ **مراسم احیا**

- تا صبح بیدار ماندن، دعای کمیل و سمات و جوشن کبیر، هر شب سه مرتبه ختم کردن و آخر سر قرآن گرفتن به صدای بلند یاالله و الغوث کشیدن (همان، ۶۶).

❖ **حلوا درست کردن برای مرده**

- نه در شب هفت و نه چله و نه سالش بوی حلوا و دود اجاقی بر نخواهند خاست (تابوت، ۸۸).

❖ **نماز وحشت خواندن برای میت**

- حتما شب اول قبر کسی برایش نماز وحشت نخواهد خواند (همان، ۸۸).

❖ **شمع روشن کردن در محرم**

- مردم به شمع روشن کردن در آن عقیده مخصوصی داشته باشند (شمع قندی، ۹۸).

❖ **شمع نذر کردن**

- شمع قندی امسال دو وجب بزرگتر از هرساله بود؛ زیرا نذر صاحبش برآورده شده بود (شمع قندی، ۱۰۵).

❖ **ختم قرآن**

- اگر در محل قرائت قرآن نبود و خود آن بیچاره هم نیم ساعت پیش به نوبت، قرآن خود را نخوانده بود. (ای لاس سبأ، ۱۶۱).

باورهای پزشکی

❖ **درمان تب تیفوس با آب تربت**

- پارسال پس از ۱۳ که در تب تیفوس می‌سوخته با یک قطره از آب تربت شفا یافته بود (زیارت، ۵۲)

- فقط با آب تربت شفا پیدا می‌کردم (همان، ۵۳).

۳- مشاغل عامه

چنانکه می‌دانیم نبض اقتصادی هر جامعه را بازار و مشاغل که در آن موجود است را تشکیل می‌دهد. مشاغل در جریان تاریخ بر همه رخدادهای فرهنگ، تاریخی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بوده و هست. مشاغل عامه دنیایی از ناگفته‌های مرتبط با فرهنگ عامه را بازگو می‌کنند. این مشاغل ممکن است در طول هزاران زمان تا حال وجود داشته باشند و ممکن است کاملاً منسوخ شده و کارایی خود را در دنیای امروز از دست داده باشند؛ و یا اینکه به شکلی دیگر؛ اما در همان حیطه باشند.

❖ سوپور: به معنای رفته گر شهرداری

- خلاصه یتیمیچۀ بدبخت آخر سر راضی شد به یه سوپور شوور کنه (گنج، ۲۹).

❖ شیرینی پز

- یه شیرینی پزی بود که از قدیم ندیما با شوور بتول دوست بود (همان، ۳۰).

❖ شوفر

- انعام را باید به شاگرد شوفر بدهم (زیارت، ۴۴).

❖ رزاز

- برای خودم یه راز خورده فروش؛ ولی مستقل شدم (زیارت، ۴۶).

❖ تاجر

- تاجرها ملیونر شدن (همان، ۴۸).

❖ قزاق

- یکی از قزاقهای کشتی که فارسی می دانست (همان، ۵۲).

❖ آژدان

- آهای آژدان بگیرش (گلدان چینی، ۸۱).

❖ دلاک

- گر چه مثل همه دلاکها روده دراز بود (تجهیز ملت، ۱۱۹).

❖ مردک

- مردک مارگیر کشوی جعبه را محکم ساخت (معرکه، ۱۵۷).

۴- لغات و اصطلاحات عامه

اصطلاحات عامیانه واژه‌ها و کلماتی هستند که در زبان و گفتار مردم به معنایی قاموسی و فرهنگ نامه‌ای به کار می‌روند. اگر چه می‌توان آن‌ها را از نظر ادبی مجاز، یا اغراق، شمرد؛ اما در هر صورت به دلیل رواج عام جزو فرهنگ مردم درآمده است.

خطیبی در کتاب فن نثر خود و در تعریف نثر محاوره‌ای چنین می‌نگارد: «در این نوع نثر (محاوره‌ای) نه در انتخاب الفاظ و نه در بیان معنی، ضوابط و قیودی وجود ندارد. گوینده کلیه تعبیرات و لغاتی را که زبان محاوره مرتجلا در دسترس اندیشه او می‌گذارد به کار می‌برد. معانی در قالب جمله‌ای ساده که در آن جز قواعد کلی زبان، ضوابط دیگری مراعات نمی‌شود، بیان می‌گردد، جمله نیز با نظمی بسیار ساده و ابتدایی در رشته کلام جای می‌گیرد، هدف غایی در این نوع کلام آن است که مقصود را به ساده‌ترین وجه، به صورتی که از آن به فصاحت و بلاغت عوام تعبیر می‌شود، بیان نماید.» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۳).

- صاحب و دربون نداره (دید و بازدید، ۵).

- کز کرده بود (همان، ۷).

- ملتفت نشدم (همان، ۷).

- چرا آقا با دولت سر قوز آمده (همان، ۹).

- هرهر جواب داد و خندید (همان، ۱۰).

- درن دشت (همان، ۱۳).

- روم به دیفال، روم به دیفال (همان، ۱۴).

- ای قرتی! این قرتی بازیها رو بنداز دور (همان، ۱۴).
- بیشای صناری از اینور و اونور جمع می‌کرد (گنج، ۲۹).
- قدیم ندیما (همان، ۳۰).
- پول مولی (همان، ۳۰).
- فقیر مقیر (همان، ۳۳).
- جل و پلاس به هم بزیم (زیارت، ۴۶).
- شندرغاز بیشتر نیست (همان، ۴۸).
- یک پاپاسی باشد (همان، ۴۸).
- در این چندساله بلبشو بارخود را ببندد (افطاری بی‌موقع، ۶۲).
- انقدر الم شنگه راه انداخته بود (همان، ۶۵).
- با یک تشر مادرش ساکت شد (همان، ۷۱).
- با هم هرهر و کرکر می‌کردند (گلدان چینی، ۷۴).
- شق و رِقش (همان، ۷۴).
- مردمک نو نوار (همان، ۷۵).
- چرا لیچار می‌گید؟ (گلدان چینی، ۷۸).
- چشم‌های بابا قوریت کور می‌شد؟ (همان، ۷۸).
- تک و توکی (تابوت، ۸۲).
- قیل و قال (همان، ۸۳).
- چغر شده (همان، ۹۲).
- تق و لق شده بود (همان، ۹۵).
- سوارخ سنبه‌های (همان، ۹۶).
- لات و لوتها (همان، ۹۶).
- چرغ و چورغ (شمع قندی، ۱۰۶).
- پیرمرد ورچروکیده‌ای (همان، ۱۰۸).
- جیر و ویر و غر غر (تجهیز ملت، ۱۱۷).
- هاج و واج (همان، ۱۲۱).
- لای هم می‌لولیدند (پستچی، ۱۴۰).
- لای هم وول می‌زدند (دو مرده، ۱۸۳).

۵- ضرب المثل و کنایات عامه

یکی از راه‌های مطالعه فرهنگ جوامع، مطالعه ادب عامیانه (فولکوریک) به ویژه ادبیات شفاهی آن جامعه، از جمله قصه‌ها، لالایی‌ها، افسانه‌ها و کنایات و ضرب‌المثل‌هاست.

در تعریف ضرب المثل آمده است: «جمله‌ای است مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند» (بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۹)

امثال و تعبیرات و اصطلاحات رایج در میان هر قوم، نشان‌دهنده ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و تصورات و رسوم و عادات آن قوم است. زیباترین، باشکوه‌ترین، گرانقدرترین گنجینه‌های تاریخی هر ملتی زبان و ادبیات آن ملت است. سرآمد

- مشخص ادبیات و فرهنگ مردمی ضرب‌المثل‌های موجود در زبان است. «ضرب‌المثل‌ها نه تنها نشان‌دهنده زندگی امروز هستند؛ بلکه فرهنگ و عقاید پیشینیان را نیز بر ما عرضه می‌دارند. طبعاً هر قوم و کشوری که سابق فرهنگی غنی‌تری داشته باشند ضرب‌المثل‌های بیشتری دارند.» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۷۹).
- **خاک درگاه را سرمه چشم کردن:** «وظیفه وجدانی بنده است که همیشه خاک درگاهتان را سرمه چشم کنم.» (دید و بازدید، ۸).
 - **سنگ کسی یا چیزی را به سینه زدن:** «من سنگ دولت را سینه نمی‌کوبم؛ ولی خوب نیست در انظار خارجیان این انتقادهای آبرو» (همان، ۹).
 - **در دل قند آب کردن: خوشحالی بیش از حد کسی.** «مشهدی حسن و رفیقش دیگه تو دلشون قند آب می‌کردن» (گنج، ۳۱).
 - **اجاق کور: کنایه از نداشتن پسر:** شاید اجاقش کور باشه و تخم و ترکش قطه بشه (گنج، ۳۵).
 - **دو قورت و نیم باقی مونده:** مردکۀ مزخرف دو قورت و نیمش باقیه! (گلدان چینی، ۷۸).
 - **نخود هر آش شدن:** خانم کسی به شما نگفته بود نخود هر آش بشید (همان، ۷۹).

۶- دعا و نفرین و تعارفات عامه

- بمیرم الهی ننه جون (دید و بازدید، ۱۴).
- خدا پیرش کنه (همان، ۱۴).
- تقبل الله (زیارت، ۴۵).
- چندبار با این لندوهورها دست به یخه شده بود (افطاری بی‌موقع، ۶۵).
- مرتیکۀ الاغ (همان، ۷۱).
- زنکیه آخه چی میگی؟ (همان، ۷۲).
- مردکۀ چلاق، تو رو چه به آنتیک؟ (گلدان چینی، ۸۰).
- مردکۀ نکره (شمع قندی، ۹۹).
- خدا الهی سایۀ شما را از سر حموم ما کم نکنه (تجهیز ملت، ۱۲۰).
- پدر سوخته مادر قحبه (همان، ۱۲۸).
- گور به گور شده (دومرده، ۱۸۴).
- ضبط و ربط (همان، ۱۸۴).

۷- اشعار و ترانه‌های عامه

- بخش مهمی از ادبیات عامیانه را اشعار و ترانه‌های عامیانه تشکیل می‌دهند؛ که شامل گفتارهای منظومی هستند که به مناسبت‌های مختلف در حین کار و فعالیت، جشن‌ها و آیین‌ها، سوگواری‌ها، در هنگام بازی و تفریح و یا برای خواباندن کودکان و سرگرم کردن آنها و یا به صورت ترانه‌های محلی همراه با موسیقی سنتی خوانده می‌شوند. این اشعار که اغلب سراینده‌ها نامعلومی دارند، ترکیبی از واژه‌های ساده و قابل فهم برای عامۀ مردم و دارای آهنگی خاص هستند. اشعار و ترانه‌های عامیانه معرف روحیات و افکار توده مردم و برخاسته از نیازهای طبیعی روزمره آن‌ها می‌باشد.
- خیر نبینی حمومی... طشت و بادیه‌م را بردن...
 - خیر نبینی حمومی... لنگ و قدیفه‌م را بردن
 - لنگ و قدیفه و طشت و بادیه‌م را بردن... خیر نبینی حمومی... (تجهیز ملت، ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

همان طور که گفته شد فرهنگ عامه هر قوم نشان دهنده هویت آن قوم است و از عناصری نظیر آداب و رسوم، باورها و معتقدات مختلف شکل می‌گیرد و شناخت این عناصر به حفظ و شناخت هویت و ارزش‌های جامعه کمک می‌کند، از این رو تحقیق، بررسی و تحلیل این عناصر از ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. انقلاب مشروطیت نیز موجب تحول در شیوه‌های سخن گفتن و نوشتن به زبان فارسی شد و فرهنگ‌عامه از ارزش و پایگاه بهتری برخوردار گشت. در این دوره برای روشن شدن اذهان مردم، صحبت کردن به زبان ساده‌تری که قابل فهم عوام باشد، ضروری بود و پیروی از زبان رسمی و کلاسیک گذشته موجب تأثیرگذاری کمتر نوشته‌ها می‌شود. در این پژوهش بسیاری از باورها و رسوم که در عصر آل احمد و در میان مردم وجود داشته انعکاس داده شده است و نویسندگان این تجربیات، تفکرات و اندیشه‌ها را در قالب داستان به خواننده منتقل نموده است. در این پژوهش از اندیشه‌ها و باورهای مردم در مورد مسائل مختلف و زندگی اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی مردم و همچنین رسوم و تجربیات آنها بحث و گفتگو شد. همان گونه که آل احمد گنجینه فولکلور عصر خود را در آثارش حفظ و به نسل‌های بعد انتقال داد، ما نیز باید این میراث فرهنگی را گردآوری و حفظ کنیم. با بررسی این پژوهش با بسیاری از باورها و سنن آن دوره آشنا می‌شویم و می‌یابیم که بسیاری از آنها به ما رسیده است و اشتراکات زیادی در بین آنها وجود دارد. همچنین مشاهده می‌کنیم که بخشی از این باورها تغییر کرده، بخشی از آنها از بین رفته و نیز چیزهایی به آنها افزوده شده است.

منابع و مأخذ

۱. آل احمد، جلال. (۱۳۸۵). دید و بازدید، چاپ اول، تهران: انتشارات هنر پارینه.
۲. الشکری، فدوی. (۱۳۸۶). واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، تهران: نگاه.
۳. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴). گذری و نظری در فرهنگ مردم، چاپ اول، انتشارات اسپرک.
۴. بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). بررسی و پژوهش فرهنگ‌عامه ایران، مشهد: اداره‌ی موزه‌های آستان مقدس رضوی.
۵. بهمنیار، احمد (۱۳۸۱). داستان‌نامه بهمنیاری، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بلوک‌باشی، علی (۱۳۷۷). نقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۰). فرهنگ عامه، چاپ اول، تهران: فرهنگ عامه.
۸. خطیبی، حسین (۱۳۸۶). فن نثر در ادب پارسی، تهران: انتشارات زوار.
۹. روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ‌شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات عطار.
۱۰. شیخ رضایی، حسین. (۱۳۸۲). نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های جلال آل احمد، چاپ دوم، نشر روزگار.
۱۱. شاملو جانی‌بیگ، اکبر. (۱۳۹۱). بررسی بازتاب جلوه‌های فرهنگ‌عامه در داستان‌های جلال آل احمد، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۴۰-۴۷.
۱۲. عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: انتشارات توس.
۱۳. مصاحب، غلامحسین. (۱۳۴۵). دایرةالمعارف مصاحب، تهران: امیرکبیر.
۱۴. میهن دوست، محسن. (۱۳۸۰). پژوهش عمومی فرهنگ عامه. تهران: توس.
۱۵. وارینگ، فیلیپ (۱۳۷۱). فرهنگ خرافات (عجیب‌ترین خرافات مردم جهان)، ترجمه و گردآوری احمد رجحان.
۱۶. هدایت، صادق، (۱۳۴۲). نیرنگستان، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Reflection of Public Elements in the Story and Visit of Jalal al Ahmad

Asma Foroughi Rad

Master of Comparativ Literature and Language, of Ahvaz Chamran University, Iran

Abstract

Among the topics of the literary texts of popular culture is a particular type of discourse that addresses the unofficial aspects of social life. The society is reflected. In spite of the fact that popular culture refers in an unofficial way to life, it depicts a measure of understanding and understanding of people as well as the status of society. Popular culture has had a great deal in the works of classical writers and poets, but in the contemporary era It has been reduced to the extent that it is used and it is necessary to search for these elements in the context of literary works and to catalog them. Jalal Al-Ahmad, a prominent contemporary writer, in his precious work, like seeing and visiting these elements to serve his goals and purposes. The use of this author from folklore, especially tales of folk and native terms, not only reflects the popularity of the writer, but also makes the book more readable and more readable and adds to his popularity. The main purpose of this research is to examine the role of elements Popular culture is in the novel and is visited by Jala Allah Ahmed.

Keywords: Folklor, deid and bazdaid, Fiction, Jalal Al- Ahmed.
